

مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

## نگاهی به کارآمدی راهبردهای نوین آموزش زبان عربی در ایران

\* دکتر محمودرضا توکلی محمدی<sup>۱</sup>معصومه صیامی<sup>۲</sup>محمد فرزانه<sup>۳</sup>

## چکیده

بدون شک آموزش زبان عربی در ایران در کنار شیوه‌های سنتی، به راهبردهای نوین نیازمند است. از آنجاکه آموزش زبان عربی در کشور بیشتر با تکیه بر روش‌های سنتی صورت می‌پذیرد و رویکردهای نوین آموزشی مانند واکنش فراگیران در هنگام یادگیری، ذهنیت آموزشگر، نوع پیشرفت فراگیران، پیگیری فراگیران نسبت به چگونگی یادگیری عربی در دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است، بررسی و ارائه مباحث راهبردهای نوین یک بخش تفکیک‌ناپذیر در این زمینه به شمار می‌آید. از این رو بررسی روش‌های خاص آموزش برای آموزشگران زبان عربی امری ضروری است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی روش‌های سنتی آموزش عربی سعی شده بر اموری چون مطرح کردن مشکلات واقعی آموزش زبان عربی، آشنا شدن آموزشگران با این گونه موانع و همچنین اطلاع یافتن از روش‌های نوین آموزش برای غلبه کردن بر مشکلات پیش رو توجه شود. ارائه رویکردهای نوین آموزش زبان عربی و استفاده از آن‌ها در یادگیری این زبان، امکانات ویژه‌ای را برای بهتر آموزی زبان عربی در اختیار آموزشگران و فراگیران قرار می‌دهد و بسیاری از موانع و مشکلات آموزش زبان در سیستم‌های سنتی و قدیمی زبان آموزی در ایران را برطرف می‌نماید.

**کلیدواژه:** آموزش عربی، راهبردهای نوین، رویکرد نقش‌گرا، روش دستور - ترجمه

<sup>۱</sup> دکترای تخصصی، استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، قم. بلوار الغدیر. شهرک مهدیه، دانشگاه فرهنگیان، گروه زبان و ادبیات عربی، [mrtavakoly@yahoo.com](mailto:mrtavakoly@yahoo.com)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، [m.siyami20@ut.ac.ir](mailto:m.siyami20@ut.ac.ir)

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، [farzaneamin3@gmail.com](mailto:farzaneamin3@gmail.com)

## مقدمه

مبحث راهبردهای نوین آموزش یک بخش جدایی‌ناپذیر در امر آموزش است. با نگاهی گذرا به روش‌های سنتی آشکار می‌گردد که این روش‌ها برای یک دوره زمانی طولانی مدت روش‌های پرکاربردی در عرصه آموزش بوده‌اند؛ اما با گذشت زمان و روی کار آمدن راهبردهای نوین به مرور زمان کارآیی خود را از دست داده‌اند. اساسی‌ترین نقدهایی که به روش‌های سنتی وارد آمده است، ایستایی و منعطف نبودن، فعال مطلق بودن آموزشگر و نقش وی به‌عنوان انتقال‌دهنده مطلق اطلاعات، اطلاعات غیرضروری نزد فراگیرنده، درگیر نشدن فراگیرنده در امر آموزش و... است. در حقیقت این مهم که چه روشی برای چه درسی و چه موقع باید به کار رود، به انتخاب آموزشگر و توانایی وی در اجرای آن بستگی دارد.

آموزشگر حرفه‌ای کسی است که حقیقتاً در کار خود کفایت داشته باشد. وی در این سه رکن آموزش، یعنی شناختن فراگیران، موضوع و روش آموزش به‌خوبی کارآمد است. او بر روش‌ها و شیوه‌های گوناگون آموزش مسلط است و با توجه به وضعیت و نوع کلاس، ماهرانه روش مناسب را برای آموزش در آن کلاس در پیش می‌گیرد. او، خود زمینه آموزش مؤثر را برای فراگیران مهیا می‌کند و برای رسیدن به یک آموزش نوین از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که با مجموع هدف‌هایی که به دنبال آن است، تناسب و با شرایط زمانی و مکانی که در آن کار می‌کند، سازگاری داشته باشد (سرمد، ۱۴۳: ۱۳۷۹)؛ بنابراین، هیچ یک از روش‌های آموزش به‌نوبه خود خوب یا بد نیست؛ بلکه نحوه و شرایط استفاده از آن است که باعث قوت یا ضعف به‌کارگیری آن شیوه می‌شود. به اعتقاد مادلین هانتر، بهترین روش آموزش، بهترین روش آموزشگری و بهترین روش یادگیری وجود ندارد و می‌توان با توجه به تناسب، ظرافت و پیامدهای آنچه در کلاس رخ می‌دهد، رفتار و روش آموزش مناسب را انتخاب کرد (مهرمحمدی و عابدی، ۴۹: ۱۳۸۰).

آموزشگر باید با توجه به هدف‌های آموزش، محتوای آموزش، نیازها و علایق فراگیران، امکانات محیطی، مناسب‌ترین شیوه را برای یک آموزش مطلوب انتخاب کند. در مقابل روش‌های آموزشی منفعلانه، روش آموزش فعال قرار می‌گیرد که طی دوره‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است. در روش‌های آموزش فعال آموزشگر و فراگیرنده در عرصه آموزش نقش مؤثری بر عهده دارند. با وجود روش‌های مختلف آموزش نوین، هنوز روش‌های سنتی بسیاری مدنظر آموزشگران است که در برخی موارد دارای نقاط ضعف بسیاری است و باید در پی رفع این نقاط ضعف بوده و به دنبال شیوه‌های پر بازده نوین برآمد. با این مقدمه، در پژوهش حاضر، با روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ برای این دو پرسشیم: ۱. مشکلات آموزش قدیم زبان عربی در ایران کدام‌اند؟ ۲. چگونه و با چه راهبردهای نوینی می‌توان مشکلات آموزش زبان عربی را از میان برداشت؟

## پیشینه پژوهش

برخی از تحقیقاتی که به بررسی آموزش زبان عربی پرداخته‌اند عبارتند از: مقاله «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران: مبانی تعریف گرایش‌ها» از حجت رسولی (۱۳۸۴)؛ نویسنده در این مقاله جایگاه نامناسب زبان عربی در ایران، کم‌استعدادی دانشجویان زبان عربی، جایگاه نامناسب علوم انسانی، بی‌انگیزگی دانشجویان زبان عربی، روش‌های نامناسب آموزش استادان، برنامه‌های درسی نامناسب و ابزارهای آموزشی بی‌کیفیت را از جمله عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانسته است. مهم‌ترین راهکار نویسنده برای رفع این مشکلات، تأسیس گرایش جدیدی در حوزه آموزش زبان عربی است.

سلیمی (۱۳۸۶) در مقاله «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران: نقص‌ها، کاستی‌ها و راهکارها»، سنتی بودن شیوه‌های آموزش و قواعد محور بودن آن‌ها را، از مهم‌ترین مشکلات آموزش و یادگیری زبان عربی در ایران دانسته و راهکارهایی چون توجه به محوریت متن، لزوم تقسیم‌بندی قواعد بر مبنای بسامد کاربرد و لزوم تأسیس گرایش‌های جدید در سطوح عالی آموزش ارائه داده است.

متقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مقاله «بررسی و نقد میزان اجرای راهبردهای تدریس متون شعری در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی»، به بررسی راهبردهای تدریس متون شعری در دانشگاه‌های کشور پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که روش سنتی بیشتر از روش‌های جدید تدریس استفاده می‌شود.

متقی‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله دیگری با عنوان «میزان اجرایی روش‌ها و فنون تدریس قواعد در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی از نظر دانشجویان و استادان»، روش‌های تدریس و میزان اجرایی فنون مناسب تدریس قواعد زبان عربی در دانشگاه‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

جلائی هم در پایان‌نامه «دراسة المدخل التواصلي في تدریس الادب العربي المعاصر للطلاب العربیة الايرانيين»، تأثیر تدریس ادبیات معاصر عربی را در توانش ارتباطی دانشجویان ایرانی از دو بعد نظری و میدانی بررسی کرده و نتیجه گرفته است که هرچند تدریس ادبیات معاصر با رویکرد ارتباطی مفید است، در مهارت شنیدن (در آموزش مهارت‌های چهارگانه) نتایج چندانی مثبتی به دست نیامده است. مقاله‌های ارزشمند دیگری نیز در رابطه با آموزش زبان به صورت کلی و آموزش زبان عربی به صورت خاص به نگارش درآمده است که از برخی از آن‌ها نیز در این پژوهش استفاده شده است. ولی با وجود ارزشمندی مقاله‌ها و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه که به برخی از آن‌ها نیز در این قسمت اشاره شد، این نکته نیز نباید مغفول بماند که تاکنون پژوهشی که به صورت مستقل و یکجا به بررسی راه کارهای آموزش زبان عربی به شیوه سنتی آن پردازد و سپس راه کارهای نوین را نیز در کنار آن ارائه دهد، به انجام نرسیده است. پژوهش حاضر با مدنظر قرار دادن این مهم، بر آن است تا با تکیه بر نکات مطرح شده در بالا، به معرفی شیوه‌های سنتی و مدرن آموزش عربی در ایران پرداخته و بدین وسیله راه را برای انتخاب روشی تلفیقی و هدفمند و مؤثر در آموزش زبان عربی فراروی پژوهشگران و فعالان این عرصه قرار دهد.

## تعریف مفاهیم

۱. **روش:** روش عبارت است از فرایند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت و یا توصیف واقعیت. در معنای کلی‌تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، اطلاق شود (ساروخانی، ۲۴: ۱۳۷۵).

۲. **آموزش:** آموزش تعامل یا رفتار متقابل آموزشگر و فراگیرنده، بر اساس طراحی منظم و هدف‌دار آموزشگر، برای ایجاد تغییر در رفتار فراگیرنده است. آموزش، مفاهیم مختلفی همچون نگرش‌ها، گرایش‌ها، باورها، عادت‌ها و شیوه‌های رفتار و به‌طور کلی انواع تغییراتی را که می‌خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، در بر می‌گیرد (میرزا محمدی، ۱۷: ۱۳۸۳).

## عوامل و مشکلات آموزش زبان عربی در ایران

مهم‌ترین مشکلات زبان عربی علی‌رغم آگاهی نسبی به قواعد عبارتند از:

۱. مشکلات مربوط به زبان و لهجه
  ۲. جالب نبودن بحث برای هر یک از طرفین
  ۳. تسلط اندک در امر پردازش اطلاعات
  ۴. خجالتی بودن، حجب و حیایی آموزشگر
  ۵. عدم توانایی فهم جملات عربی
  ۶. عدم توانایی مکالمه به زبان عربی (سرمد، ۱۴۳: ۱۳۷۹).
- دلایل به وجود آمدن این مشکلات را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

### الف. موانع مرتبط با آموزشگران

۱. آموزش قواعد محور در چارچوب نظری کتاب
۲. تسلط ناکافی آموزشگران بر مکالمه عربی و استفاده کمتر از آن در جریان آموزش
۳. عدم تخصص‌گرایی

### ب. موانع مرتبط با فراگیران

۱. عدم علاقه فراگیران رشته‌های غیرانسانی به درس عربی
۲. عدم تناسب محتوای کتاب‌ها با نیازهای علمی، عاطفی و روانی فراگیران

### ج. موانع مرتبط با جامعه و فرهنگ

۱. نگرش منفی نسبت به جوامع عربی
۲. ارزش‌گذاری اجتماعی

### د. موانع مرتبط با نظام آموزش و برنامه درسی

۱. مدت زمان آموزش کم‌تر
۲. عدم برخورداری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت از اهمیت و اعتبار
۳. کمبود امکانات و مواد آموزشی

## هـ. موانع مرتبط به ارزشیابی

ناهمسویی ارزشیابی با اهداف آموزشی (ر.ک. ایمانزاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۲۳\_۲۱).

## عوامل مؤثر در آموزش زبان

مهم‌ترین عوامل اثرگذار در آموزش زبان را می‌توان به شیوه زیر تقسیم‌بندی نمود:

**آمادگی:** فراگیران باید از لحاظ جسمی، عاطفی و عقلی رشد کرده باشند تا بتوانند به خوبی یاد بگیرند.

**انگیزه:** یادگیری هر چیزی نیازمند انگیزه است؛ یکی از این انگیزه‌ها که نقش مهمی در جریان یادگیری دارد، میل و رغبت فراگیران به آموختن و دیگری هدف است. هدف به فعالیت انسان نیرو و سمت‌وسو می‌دهد.

**تجربه فراگیران:** آموخته‌های قبلی تجربیات را شکل می‌دهند؛ بنابراین، آمادگی فراگیران در حد وسیعی تحت تأثیر تجارب گذشته آنهاست. فرد زمانی می‌تواند مفاهیم و مسائل جدید را درک کند که مفهوم و مسئله جدید با ساخت شناختی او مرتبط باشد.

**محیط:** عامل مهم محیط تأثیر بسزایی در امر یادگیری دارد. محیط ممکن است فیزیکی باشد، مانند نور، هوا، تجهیزات و امکانات آموزشی یا ممکن است عاطفی باشد. رابطه آموزشگر و فراگیر، رابطه فراگیران باهم، رابطه والدین باهم و نگرش والدین و آموزشگران در زمینه تربیت فراگیران همگی می‌تواند در میزان یادگیری آنها مؤثر باشد.

**روش آموزش:** بدون شک نیروی آموزشگر از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده محیط‌های آموزشی است و به لحاظ اهمیت نگرش و روش آموزش، آموزشگر در فرایند فعالیت‌های آموزشی و در نهایت، تأثیر آن در روند یادگیری بسیار ضروری و مؤثر است. این عامل مهم، برتری خاصی نسبت به سایر عوامل دارد.

**رابطه کل و جزء:** طرفداران مکتب گشتالت معتقدند در کل، اجزاء را در یک طرح و زمینه قرار می‌دهند و ارتباط آنها را روشن می‌سازند. در جریان آموزش، آموزشگر باید در حد امکان ابتدا مطالب درسی را به صورت کل مطرح کند و ارتباط اجزاء با کل را مشخص سازد و پس از آن به بررسی و تحلیل اجزاء بپردازد.

**تمرین و تکرار:** تأثیر تمرین و تکرار در کل فرآیند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن به‌ویژه در حیطه روانی - حرکتی، انکارناپذیر است (سرمد، ۱۴۳: ۱۳۹۷).

## تقسیم‌بندی روش‌های آموزش زبان

**روش‌های تاریخی (سنتی):** در این روش فراگیرنده موجودی انفعالی است و آموزشگر به‌عنوان انتقال‌دهنده اطلاعات، مسئولیت اصلی آموزش را بر عهده دارد. آموزشگر تلاش می‌کند ذهن فراگیران را با انبوهی از مفاهیم، اصول و اصطلاحات انباشته سازد و به این ترتیب رفتار آنها را نسبت به قبل تغییر دهد. در این نوع روش آموزشی، برنامه درسی غیر قابل انعطاف است و آموزشگر و فراگیر به اجبار از محتوای مشخصی استفاده می‌کنند. آموزشگر تصور می‌کند که عامل اصلی آموزش، خود اوست و به‌عنوان گنجینه معلومات در برابر فراگیران ظاهر می‌شود. شاید به همین دلیل، به این گونه الگوها و روش‌ها، روش‌های آموزشگر محور نیز می‌گویند (صفوی، ۲۳۹: ۱۳۷۰).

**روش‌های نوین:** در این نوع از الگوها، فراگیر و علایق و توانمندی‌های او در مرکز توجه قرار دارد و آموزشگر تلاش می‌کند تا توانایی فراگیران را تقویت کند. آموزشگر هنگام آموزش از وسایل و امکانات آموزشی زیادی استفاده می‌کند و یادگیری مؤثر را از طریق تمرین‌ها و فعالیت‌های متنوع به عهده فراگیران می‌گذارد و آنان را در تحقق اهداف و یادگیری مفاهیم درس دخالت می‌دهد. آموزشگر، راهنما و هدایت‌کننده‌ای است که پا به پای فراگیران مسیر آموزشی را طی می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا درس را به‌طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرند (همان: ۲۳۹).

### شیوه‌های سنتی آموزش زبان

بدیهی است که رویکردهای سنتی به آموزش زبان، اولویت آموزش را به توانایی‌های دستوری به‌عنوان پایه و اساس زبان داده بودند. آن رویکردها بر این باور بودند که دستور زبان را می‌توان از طریق آموزش مستقیم و از روشی که تکرار تمرینات مختلف را در برداشته باشد، فراگرفت. در شیوه آموزش سنتی زبان، روش‌های زیادی وجود دارد که هرچند در زمان خود کارآمد بود و نیازهای روز جامعه را برطرف می‌کردند اما در حال حاضر و به‌تنهایی کارآیی بالایی ندارند. برخی از این شیوه‌ها متأسفانه در حال حاضر به‌عنوان روشی برای آموزش زبان عربی همچنان به‌تنهایی به کار می‌رود.

#### ۱. روش دستور - ترجمه

یکی از مهم‌ترین روش‌های آموزش زبان دوم، روش دستور - ترجمه است که درباره آن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از روش دستور-ترجمه در سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی به‌عنوان روشی اساسی استفاده می‌شد، در اصل در آن زمان آموزش زبان دوم به‌مثابه آموزش زبان لاتین و یونانی مدنظر بوده است که این دو زبان با روش دستورترجمه آموزش داده می‌شد (<https://fa.wikipedia.org/wiki>). نقش آموزشگر و فراگیرنده در این روش کاملاً سنتی است. کلاس‌ها به‌شدت آموزشگر محور و تحت کنترل آموزشگر است. آموزشگر قدرت مطلق کلاس درس، برنامه‌ریز، تصحیح‌کننده اشتباهات، سخنران کلاس و... است. فراگیران ابتکار عمل بسیار ناچیزی دارند و خلاقیت چندانی از خود نشان نمی‌دهند و ارتباط فراگیران با یکدیگر اندک است (حقانی، ۲: ۱۳۸۳).

#### ۲. روش مستقیم

این روش در مقابل روش دستور - ترجمه به وجود آمد. در این روش آموزشگر فقط از زبان خارجی بهره می‌گیرد و برای درک بهتر فراگیران از وسایل کمک آموزشی مانند اشیاء و تصاویر استفاده می‌کند. آموزشگر به‌هیچ‌وجه از زبان مادری استفاده نمی‌کند و از ترجمه جملات می‌پرهیزد. همچنین، قواعد دستوری به‌صورت استقرایی آموزش داده می‌شوند.

روش آموزش دستور زبان، به‌صورت مستقیم و بر اساس مقایسه بود به‌نحوی که فراگیران با نکات دستوری آشنا شده و سپس فرصت و مجال تمرین و به‌کارگیری آن‌ها را می‌یافتند، برخلاف روش غیرمستقیم که در آن به فراگیران جملاتی به‌عنوان نمونه که در بردارنده نکته دستوری موردنظر بود داده می‌شود تا از آن نکته دستوری را استنتاج نمایند.

روش مستقیم در بعضی مراکز موفقیت چشمگیری داشت، اما به دلیل بی‌تجربگی آموزشگران و علل ساختاری که در این روش بود، به‌زودی سیستم‌های آموزشی متوجه کاستی‌هایی در آن شدند که خود باعث پیدایش شیوه‌های دیگری شد. یکی از دستاوردهای ماندگار روش مستقیم، خودِ مفهوم روش است. اختلاف نظر بر سر روش مستقیم منجر به بحث‌های زیادی درباره چگونگی آموزش زبان دوم شد و ظهور و سقوط بسیار از رویکردها و روش‌ها را در قرن بیستم رقم زد (<http://farsiamooz.blogfa.com/post/16>).

### ۳. روش شنیداری - گفتاری

این روش در واقع از نظریات زبان‌شناختی ساختارگرایی و روانشناسی رفتارگرایانه نشأت می‌گیرد. در این روش مطالب درسی بیشتر در قالب مکالمه ارائه می‌شوند؛ از آزمایشگاه‌های زبان و وسایل صوتی و تصویری استفاده فراوانی می‌شود و تکرار، به خاطر سپردن، گفتار با تلفظ صحیح و تقویت قوه شنیداری از ارکان مهم در آموزش زبان به شمار می‌آیند. در این شیوه، لغات در بافت متن و نکات دستوری به صورت استقرایی آموزش داده می‌شوند. نقش آموزشگر این است که جواب‌های صحیح را تشویق و پاسخ‌های نادرست را تنبیه کند (سلیمی، ۱۷۵: ۱۳۸۶). در حال حاضر رفتارشناسی در آموزش کاربرد چندانی ندارد.

### ۴. روش صامت

روش صامت روشی است که توسط کالب گاتگنو مطرح شد. این روش مبنی بر این است که آموزشگر باید تا حد امکان ساکت باشد تا فراگیرنده فرصت سخن گفتن داشته باشد. در این روند، فراگیرنده از طریق حل مسئله و کشف فعالیت یاد می‌گیرد که حافظه خود را تقویت کند و زبان جدید را به خاطر بسپارد. این روش به دلیل دشواری‌هایی که برای آموزشگر به وجود می‌آورد و نیز عادت نداشتن فراگیران، به تدریج به علت کم شدن انگیزه‌های آنان برای ادامه روند یادگیری، با استقبال چندانی مواجه نشد (قوره، ۳۶۸: ۱۹۹۵).

### ۵. روش تلقین پذیری

این روش که برخاسته از دانش‌های جدید بشر در زمینه روانشناسی و عصب‌شناسی مغز انسان است، بیش از هر چیز به انسان و حالت‌های درونی‌اش توجه نشان می‌دهد. عنصر عمده‌ای که روش تلقینی از روان‌درمانی وام گرفت استفاده عملی از تلقین است (<http://farsiamooz.blogfa.com/category/4>). مفهوم تلقین در آموزش تازگی ندارد. در آموزش تلقینی، به محیط پیرامون و فراگیری جانبی توجه بسیاری می‌شود. رنگ، نور و پوسته‌های روی دیوار کلاس، به‌طور هدفمند انتخاب می‌شوند. هر آنچه در فضای کلاس موجود است احساس آرامش به فراگیران القا می‌کنند. در کلاس گاه موسیقی پخش می‌شود. مکالمه‌ها همراه با پس‌زمینه‌ی موسیقی آرام اجرا می‌شوند. هم متن و هم مکالمه در برنامه درسی قرار دارند. در کل، فراگیران نقش کنش‌پذیری دارند (قوره، ۲۲۸: ۱۹۹۵).

این روش شاید برای کوتاه‌مدت مفید باشد اما بدون شک برای بلندمدت مناسب نیست؛ زیرا که به‌کارگیری این روش در یادگیری زبان عربی بر پایه قدرت حافظه فراگیر استوار است نه بر مهارت. به همین دلیل امروزه استقبال چندانی از آن نمی‌شود.

## شیوه‌های نوین آموزش عربی

از دهه‌های گذشته تا به امروز واکنش‌هایی نسبت به شیوه آموزش سنتی زبان آغاز شد و خیلی زود شیوه‌های جدیدی در سرتاسر جهان منتشر شد و شیوه‌های قدیمی‌تر از دور خارج شدند. محوریت دستور زبان «قواعد» در آموزش و یادگیری زبان زیر سؤال رفت و بحث‌ها به این سمت رفت که توانایی در یک زبان فقط شامل توانایی در دانش قواعد نیست، درحالی‌که قدرت و توانایی قواعد برای تولید جملات امری ضروری است، اما باید توجه را به سمت دانش و مهارت‌های موردنیاز برای استفاده از ساختارهای دستوری و دیگر جنبه‌های مورد اقتضای زبان برای اهداف مختلف ارتباطی از قبیل بیان درخواست‌ها، ارائه مشاوره، پیشنهاد، شرح خواسته و نیاز و موارد دیگر نیز معطوف نمود که هدف اصلی از آموزش زبان نیز همین موارد هستند، یعنی هدف اصلی توانایی برقراری با دیگران است و در این بین آنچه برای استفاده از زبان برای ارتباط کلامی لازم است، توانایی و قدرت برقراری ارتباط است (قائمی، ۲۰۵: ۱۳۸۶).

پژوهشگران برای آموزش زبان عربی دو روش عام و خاص معین کردند. روش عام بر پایه‌های علمی ثابت استوار است و ویژگی‌های مهم آن عبارتند از:

۱. بر پایه روانشناسی شکل می‌گیرد تا آموزشگر رفتارهای خاصی در آموزش به کار ببرد که مطابق طبع فراگیرنده باشد و همچنین با مراحل سنی آن‌ها در طول سال‌های آموزشی هماهنگ باشد.

۲. تألیف درس‌های عربی بر اساس عقل و تجربه باشد نه از روی تقلید و حفظ؛ زیرا این امر شعله تلاش فراگیرنده را به خاموشی می‌گراید.

۳. گام‌به‌گام شدن با فراگیرنده در آموزش مطالب از آسان به دشوار، از جزئی به کلی، از ساده به مرکب، از معلوم به مجهول و از محسوس به معقول، می‌تواند منجر به نشاط فراگیران و افزایش قدرت یادگیری شود (الحصری، ۳: ۱۹۵۶).

اما روش خاص آن روش‌هایی است که هر آموزشگر برای رسیدن به اهدافش در آموزش خود به کار می‌برد. بدیهی است که هر آموزشگری سبک خاصی برای آموزش‌های خود دارد؛ ولی آگاهی داشتن از نظرات آموزشگران و روانشناسان و همچنین آشنایی با تجربیات متخصصین و روش‌های مدرسین و آموزشگران ممتاز و بهره‌مندی از آن‌ها در آموزش خالی از لطف نیست (همان: ۴).

هدف از این پژوهش محدود کردن آموزشگر در رفتارهای پیاده کردن روش خاص خود در آموزش نیست؛ بلکه هدف آن یاری‌رساندن آموزشگران در رسیدن به اهداف و موفقیت در امر آموزش است؛ زیرا که امروزه روش‌های متنوعی برای آموزش وجود دارد. اما یک آموزشگر موفق کسی است که بهترین روش را انتخاب کند که بر پایه تربیت و پژوهش‌های روان‌شناختی باشد.

### ۱. رویکرد نقش‌گرا

رویکرد نقش‌گرا در آموزش به صورت عام با طرح مشکل یا قضیه‌های علمی، آموزشگر و فراگیرنده را در یک فضای ارتباطی مثبت دوطرفه قرار می‌دهد تا با بحث، گفتگو و تبادل نظرهای فردی و جمعی درصدد یافتن راه‌حل برآیند؛ بنابراین، این مشارکت، موجب برانگیختگی فراگیرنده برای یادگیری و کسب دانش می‌شود؛ چراکه با این روش، انتظار



دریافت اطلاعاتی از پیش فراهم شده، در وی از بین می‌رود (السلیتی ومقدادی، ۸۵: ۲۰۱۲). این رویکرد در آموزش زبان نیز یکی از مهم‌ترین و جدیدترین رویکردهای آموزشی بوده که پس از افول رونق مکتب ساخت‌گرایی و با پژوهش‌های زبان‌شناسان مکتب پراگ آغاز شد.

ارتباط معنا از اساسی‌ترین مقوله‌های مطرح در این رویکرد به شمار می‌آید. در واقع، رویکرد نقش‌گرا ارتباط زبانی در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، به زبان به‌مثابه ابزاری با کارکرد اجتماعی می‌نگرد که هدف اساسی آن ایجاد ارتباط بین افراد بشر به‌منظور انتقال پیام‌ها و مفاهیم ذهنی به یکدیگر است (خرما، ۱۷۱: ۱۹۸۸). به‌اختصار می‌توان گفت رویکرد نقش‌گرا در پی آن است که فرد را برای انجام تمام فعالیت‌های زبانی که جامعه از وی انتظار دارد، توانمند سازد. بدیهی است با توجه به این اصول، آموزش زبان با رویکرد نقش‌گرا از سایر روش‌ها و رویکردهای آموزشی متمایز است. آموزش زبان عربی با این رویکرد نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌تواند زمینه را برای آموزش این زبان به‌صورت کاربردی برای گویش‌ور و غیر گویش‌ور فراهم کند. با توجه به مشکلات فراوانی که گریبان‌گیر آموزش زبان عربی در ایران است و یکی از علل اساسی آن برخاسته از روش‌های سنتی آموزشی چون روش دستور ترجمه است، به رهگیری از این رویکرد و سایر رویکردها و روش‌های آموزشی جدید می‌تواند در یادگیری مؤثرتر و کارآمد این زبان مؤثر نقش داشته باشد (همان: ۱۴۱).

با توجه به برخی از مبانی مشترک فراگیری زبان مادری و یادگیری زبان خارجی از دیدگاه رویکرد نقش‌گرا، به نظر می‌رسد به‌کارگیری این رویکرد در ایران نیز خالی از لطف نباشد. این رویکرد نقش‌گرا با تأکیدی که بر نقش‌های اجتماعی زبان دارد و همچنین ضعف عربی‌آموزان ایرانی در استفاده از زبان عربی می‌تواند گامی مؤثر در آموزش این زبان باشد.

## ۲. آموزش مشارکتی

آموزش مشارکتی یا فراهم کردن پشتیبانی و مشارکت گروهی چیزی بیش از گروه‌بندی صرف فراگیران و گرد هم آوردن فیزیکی آن‌ها است (پارسونز، ۱۹۶۴؛ اسدزاده و اسکندری، ۴۲۹: ۱۳۸۵). آموزش گروهی با نام‌های متعددی چون روش کنفرانس و روش مباحثه مطرح می‌شود و از قدیمی‌ترین روش‌های آموزش است که ایده‌ها و تجارب فراگیران در طی بحث عرضه می‌شود و به‌این‌ترتیب بر مشارکت و چالش این نوع از روش آموزشی افزوده می‌گردد (آقازاده، ۶۳: ۱۳۸۸).

پژوهشگران اظهار داشته‌اند که یادگیری یک فرایند اجتماعی است و فعالیت‌های یادگیری برای رسیدن به مرحله تولید دانش و اطلاعات، حیاتی است. در سال‌های اخیر بسیاری از آموزشگران، فواید و اثرگذاری‌های راهبردهای یادگیری مشارکتی را دریافته‌اند. یادگیری از طریق مشارکت یک قالب یا چهارچوب آموزشی است که در آن گروه‌های فراگیران ناهمگن از سوی آموزشگر مشخص می‌شود و به همکاری با یکدیگر می‌پردازند.

هدف نهایی از کاربردی‌الگوی آموزش مشارکتی، دستیابی به فعالیت‌های عالی ذهنی است. در واقع با وجود تفاوت‌های موجود در روش اجرای الگو، پنج عنصر در استفاده از الگوی یادگیری از طریق مشارکت بسیار اساسی به نظر می‌آید. همبستگی مثبت، مسئولیت فردی، تعامل چهره به چهره، مهارت‌های اجتماعی و پردازش گروهی.

این عناصر آموزشگر را از سخنرانی صرف و فراگیران را از تکرار بی‌مورد آموخته‌هایش رها می‌سازد. افزون‌براین، یادگیری از طریق مشارکت فرصت‌هایی را پدید می‌آورد که یادگیرندگان بتوانند در موقعیت‌هایی چون کارگروهی، ارتباطات، ایجاد هماهنگی اثرگذار و تقسیم کار موفق شوند؛ بنابراین، مشاهده می‌شود که فراگیر در گروه‌های یادگیری از طریق مشارکتی باید بیش از یادگیری در قالب الگوهای دیگر به فعالیت پردازند (قاسمخان، ۵۴: ۱۳۸۸).

### ۳. روش آموزش غیرمستقیم - مشاوره‌ای

یادگیری از طریق مشاوره را یادگیری به شیوه غیرمستقیم می‌نامند. از آن‌رو، یادگیری از طریق مشاوره به‌مثابه یک روش آموزش - یادگیری تلقی می‌شود که اندیشه‌های کارل راجرز به‌عنوان بنیان‌گذار روش مشاوره‌ای ویژه، رهنمودهای بسیار اثرگذاری برای یادگیری می‌نمایاند و آنچه در فلسفه و تکنیک‌های مشاوره راجرز آمده است، الگوی آموزش غیرمستقیم را که در خانواده الگوهای آموزش قرار می‌گیرد پوشش داده و پشتیبانی می‌کند. یکی از مهم‌ترین کاربردهای الگوی آموزش یادگیری غیرمستقیم زمانی است که کلاس بسیار «راکد» است و آموزشگر تلاش می‌کند فراگیران را به هر قیمتی شده از طریق دادن تمرین و عرضه مطالب درسی به حرکت درآورد. تقریباً به مدت پنج دهه، کارل راجرز از پیشگامان الگوهای بود که در آن آموزشگر نقش مشاور را ایفا می‌کرد. الگوی آموزش یادگیری غیرمستقیم بر روابط دوستانه بین آموزشگر فراگیران تأکید می‌ورزد. در الگوی آموزش غیرمستقیم، تلاش آموزشگر صرف آن می‌شود که به فراگیران یاری کند تا خود نقش اصلی را در هدایت آموزشی ایفا کنند. در کلاس درس آموزشگر به‌مثابه یک تسهیل‌گر و مدیر یادگیری می‌کوشد اطلاعات زمینه‌ای را عرضه کند تا فراگیران خود به حل مسئله پردازند (<http://www.kanoon.ir/Article/153896>).

### ۴. خودآموزی

منظور از خودآموزی این است که بتوان فراگیران را قادر ساخت تا در کسب معارف و مهارت‌ها به‌صورت دائمی و مستمر به خود تکیه کنند و بر خود باور داشته باشند و لازمه این کار مهیا شدن چهار رکن اساسی است:

۱- مشارکت فراگیران حین آموزش و با شور و هیجان بودن آن‌ها

۲- وجود انگیزه و هدف

۳- در اختیار گذاشتن اطلاعات اساسی و منحصربه‌فرد

۴- مطلع ساختن فوری فراگیران از نتیجه عملکردشان (اسماعیل، ۲۸۶: ۱۹۹۱).

آموزش برنامه‌ریزی شده یکی از روش‌های خودآموزی است که بر پایه دیدگاه رفتاری علم روانشناسی شکل یافته است و برای این کار نکات مثبت زیادی وجود دارد که در ادامه به ذکر آن‌ها می‌پردازیم:

۱- خودآموزی، فراگیران را تشویق می‌کند تا مسئولیت آموزش خود را به میل خود تقبل کند.

۲- ارائه دادن موضوعات درس به‌صورت عمودی و پی‌درپی که نتیجه آن معلومات به‌صورت روشن ساده در اختیار

فراگیران قرار گیرند.

۳- فراگیران گام به گام مراحل درس را پشت سر می‌گذارند و آن‌ها را فرامی‌گیرند و در حافظه تثبیت می‌کنند و این چنین فراگیران همیشه با درس پیش می‌روند.

۴- آموزشگر تا حدودی از یادآوری درس‌های گذشته معاف می‌شود و در عوض به تحقق اهداف آموزشی خود می‌پردازد و نقش خود را به‌عنوان راهنما و مشوق در امر آموزش انجام‌وظیفه کند.

۵- رعایت کردن تفاوت‌ها بین فراگیران و در نظر گرفتن استعدادهای مختلف فردی آن‌ها تا بتوان همگی آن‌ها را به حد مطلوب برساند (اسماعیل، ۲۸۷: ۱۹۹۱).

۶- استفاده از کتب و وسایل آموزشی وسایل الکترونیکی. استفاده از وسایل آموزشی به‌عنوان بخشی از متدولوژی آموزش زبان خارجی، از اهمیتی ویژه برخوردار است. مواد درسی می‌توانند بر محتوا و چگونگی یادگیری تأثیر بسزایی داشته باشند. در میان مواد آموزشی، کتاب‌های درسی از اهمیتی ویژه برخوردارند؛ زیرا پایه و اساس محتوای دروس اند و میان مهارت‌های آموزشی و فعالیت‌های فراگیران موازنه ایجاد می‌کنند (قائمی، ۲۱۵: ۱۳۸۶).

برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، نوارهای ضبط‌شده، فیلم‌های آموزشی، تابلت و غیره. آموزشگران زبان عربی این وسایل آموزشی را لازم دارند و چه‌بسا برای آموزش یک درس به تعدادی وسیله آموزشی نیازمندند، زیرا که زبان جز شکل و نماد برای انعکاس دنیای واقعی چیز دیگری نمی‌تواند باشد و آموزشگر توانایی نزدیک کردن رمز و واقعیت را ندارد مگر از طریق مرتبط ساختن این دو پس آموزشگر از این طریق می‌تواند مهارت فراگیران را از طریق مشاهده واقعیت اوضاع مختلف یا از طریق منتقل کردن اوضاع واقعی به شکل تصویری یا شنیداری یا لمسی از طریق حواس پنج‌گانه است (السید، ۱۱۳: ۱۹۸۰). افزون‌بر آن برای زبان عربی قدرت تحریک‌آمیزی وجود دارد که به‌وسیله آن می‌توان احساس و عواطف و برانگیختن آن‌ها را منتقل ساخت، پس اگر آموزشگر بتواند بین زبان عربی و واقعیت موجود ارتباط برقرار کند در واقع توانسته است که احساسات و عواطف فراگیران خود را در محیطی سرشار از صدق و امانت‌داری پرورش دهد و این ارتباط در تقویت حس برانگیختگی و رضایتمندی‌های عاطفی‌شان مؤثرتر است (همان: ۱۱۴).

## ۵. روش برگزاری مسابقات ادبی و لغوی

این مورد نقش مهمی در فراهم کردن محیطی شاد که از آموزش و بهره‌خالی نیست، ایفا می‌کند؛ اضافه بر این وقت گیر نیست و تنها بخشی زمان آموزش را شامل می‌شود و در کسب مهارت‌های اساسی در یادگیری زبان عربی نقش بسزایی ایفا می‌کند. فراگیر برای اطلاع از شرایط مسابقه به شراکت فعال دست می‌زند و تلاش خود را دوچندان می‌کند؛ و همچنین این تلاش و فعالیت بر احساسات فراگیر اثر می‌گذارد و اهتمام و تمرکز او را مضاعف می‌کند (الفار ابراهیم، ۲۱۳: ۲۰۰۰).

## ۶. آموزش رایانه محور و فناوری‌های الکترونیکی

رایانه نوعی ابزار علمی برای آموزشگران و فراگیران است که مطابق با راهبردهای نوین آموزشی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. (ذوفن، ۷۵: ۱۳۸۶) فناوری‌های الکترونیکی جزء جدایی‌ناپذیر روش‌های آموزشی هستند و به‌عنوان عامل مهم تحولات در فرایند آموزشی انجام‌وظیفه می‌کند (همان: ۶۱).

آموزش به کمک رایانه، به موقعیت‌های آموزشی اطلاق می‌شود که در آن آموزشگر مسئولیت اصلی و تدارک فعالیت‌های آموزشی و کنترل آن از طریق ارتباط مستقیم فراگیران با رایانه صورت می‌گیرد را بر عهده دارد. در آموزش به‌وسیله رایانه این اجازه به فراگیران داده می‌شود تا مرحله‌به‌مرحله پیشرفت کنند؛ بنابراین، رایانه‌ها ماشین‌هایی هستند که آموزش در آن طراحی و برنامه‌ریزی شده و فراگیران با استفاده از آن‌ها مطالب آموزشی را دریافت می‌کنند (شعبانی، ۲۲۱: ۱۳۸۲).

## ۷. ابتکارات فردی

این شبیه بازی نیست بلکه عملی است که ثابت می‌کند آموزشگر زبان عربی هم در داخل کلاس تأثیرگذار است هم خارج کلاس، به‌عبارت‌دیگر از ابتکارات ادبی فراگیران حمایت کرده و آن‌ها را به نوشتن انواع ادبی همچون شعر، قصه، رمان، نقد و غیره تشویق کند؛ اما باید این نکته را در نظر گرفت که آموزشگر نباید این فعالیت‌ها را در نمره فراگیران لحاظ کند، زیرا این ابتکارات ربطی به کتاب درسی ندارد و فعالیتی آزاد محسوب می‌شوند (اسماعیل، ۲۶۴: ۱۹۹۱) اضافه بر این موارد، بازی‌ها و سرگرمی‌های زیادی وجود دارند که معلم می‌تواند آن‌ها را به دانش‌آموزان معرفی کند، زیرا که دانش‌آموزان همیشه به تجدید و نوآوری نیاز دارند هرچند از چند دقیقه تجاوز نکنند.

## ۸. آموزش همراه با گردش علمی

امروزه محیط‌های آموزشی تنها شامل کلاس نمی‌شود بلکه محیط خارج از کلاس نیز می‌تواند به‌عنوان یک مکان آموزشی به شمار آیند. از این رو در این محیط‌ها سه وظیفه مهم برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و اجرای برنامه به عهده فراگیران است و همه این کارها از طریق مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات به صورت مستقیم اتفاق می‌افتند (فضلی‌خانی، ۱۹۶: ۱۳۸۲). از این رو، بازدید و گردش علمی به فعالیت گروهی از فراگیران گفته می‌شود که اهداف از پیش تعیین شده و با برنامه‌ریزی مشخص برای آشنایی و شناخت بیشتر یک موضوع انجام می‌پذیرد و برای اجرای این فعالیت فراگیران از محیط کلاس خارج می‌شوند (جعفری، ۶۰: ۱۳۸۱).

## ۹. روش ایفای نقش

ایفای نقش، روشی است که می‌تواند برای تجسم عینی موضوعات و مباحثی باشد که برای نمایش مناسب باشند. در این روش فراگیران موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا می‌کنند (صفوی، ۲۹۸: ۱۳۷۰). ایفای نقش در اینجا به معنای این نیست که باید هنرمند بود و یک کار هنری انجام داد بلکه آموزشگر بنا به موقعیت، هدف و موضوع موردنظر به‌عنوان یک روش آموزشی از آن استفاده می‌کند (شعبانی، ۲۸۴: ۱۳۸۲).

## نتیجه‌گیری

آموزش زبان عربی در ایران جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد و ارتباط آن با متون دینی و مذهبی، این اهمیت را دوچندان کرده است. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که تاکنون در آموزش زبان عربی بیشتر بر روش‌های سنتی و کلاسیک تکیه می‌شود. این امر به‌ویژه در دانشگاه‌های کشور مشهود است، حال آنکه رسیدن به توانایی مطلوب در آموزش زبان عربی به فارسی‌زبانان در ایران، نیازمند توانایی آموزشگران در به‌کارگیری راهبردهای نوین است. آموزشگران باید قادر باشند آموزش زبان عربی را با تأکید بر عوامل مختلف و با بهره‌گیری از راهبردهای نوین طراحی و تدوین کنند. آموزشگران باید توانایی تحلیل برنامه‌های آموزشی و تطبیق آن‌ها را با نیاز فراگیران کسب نموده و بتوانند با شناخت عمیق نسبت به زبان عربی فرصت‌های آموزش طراحی نمایند. در نتیجه روش‌های سنتی به دلیل آموزش زبان بدون توجه به بافت کلام و نقش ارتباطی زبان به کسب توان ارتباطی نمی‌انجامد؛ و امروز ناکارایی آن‌ها پیش از هر زمان دیگر مشخص شده است.

با بررسی روش‌های سنتی و نوین مشخص شد که روش‌های نوین نسبت به روش‌های سنتی با توجه به برخورداری از ویژگی‌های مثبت همچون ایجاد انگیزه، خلاقیت، اعتمادبه‌نفس و ارتباط، ارجحیت دارند حال آنکه روش‌های سنتی بیشتر معلم/استاد محور بوده و نقش فراگیر را در روند آموزش زبان نادیده می‌انگارد تا جایی که فراگیر فقط باید به حفظ مطالب ارائه‌شده توسط زبان‌آموز بسنده نماید. روش‌های نوین بر نقش‌های اجتماعی زبان تأکید دارد و سعی در برطرف کردن ضعف فراگیران در استفاده از زبان عربی در موقعیت‌های ارتباطی و اجتماعی دارد. روش‌های نوین به‌صورت عام با طرح مشکل یا قضیه‌ای علمی، آموزشگر و فراگیر را در یک فضای ارتباطی مثبت دوطرفه قرار می‌دهند تا با بحث، گفتگو و تبادل نظرهای فردی و جمعی درصدد یافتن راه‌حل برآیند. علی‌رغم اینکه قدرت و توانایی قواعد برای تولید جملات ضروری است، اما باید توجهات را به سمت وسوی دانش و مهارت‌های موردنیاز برای استفاده از ساختارهای دستوری و دیگر جنبه‌های مورد اقتضای زبان برای اهداف مختلف ارتباطی از قبیل بیان درخواست‌ها، ارائه مشاوره، پیشنهاد، شرح خواسته و نیاز و موارد دیگر نیز معطوف نمود که هدف اصلی از آموزش زبان نیز همین موارد هستند.

در نهایت و پس از ارائه انواع روش‌های آموزش زبان عربی، پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای مستقل از سوی وزارت علوم برای بررسی کاربرد روش‌های نوین در آموزش زبان عربی تشکیل شود تا با بررسی روش‌های یادشده، بهترین شیوه برای آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران به‌ویژه در مبحث گفتگو و مسائل نوشتاری را جایگزین شیوه‌های فعلی رایج نماید. بدیهی است روش موردنظر می‌تواند تلفیقی از چندین روش جدید در کنار سبک‌های سنتی آموزش زبان عربی در ایران باشد.

## منابع فارسی

- آقازاده، محرم، (۱۳۸۸)، **راهنمای روش‌های نوین تدریس**، تهران، انتشارات آبیژ.
- پارسونز، ریچارد، استفان لوئیس، هینسون و دیورا ساردو براون، (۱۳۸۵)، **روانشناسی تربیتی: تحقیق، تدریس، یادگیری**، مترجم: اسدزاده، حسن، اسکندری، حسین، تهران، انتشارات عابد.
- جعفری، ناصر، (۱۳۸۱)، **شیوه‌های ارزشیابی مستمر از دانش‌آموزان**، چاپ اول، تهران، نشر چاپار فرزانه‌نگار.
- حقانی، نادر، (۱۳۸۳)، «روش دستور- ترجمه در بستر آموزش الکترونیکی»، **پژوهش زبان‌های خارجی**، شماره ۲۲، ۱۰۳-۱۱۸.
- ذوفن، شهناز، (۱۳۸۶)، **کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش**، تهران، انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرمد، غلامعلی، (۱۳۷۹)، **نگرش کاربردی بر روش‌های تدریس و هنر معلمی**، تهران، نشر آوای نور.
- سلیمی، علی، (۱۳۸۶) «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران. (نقص‌ها، کاستی‌ها و راهکارها)»، **مجموعه مقالات همایش مدیران گروه‌های عربی کشور**، دانشگاه بوعلی همدان، شماره ۱، ۸۰-۹۷.
- شعبانی، حسن، (۱۳۸۲)، **مهارت‌های آموزشی**، تهران، انتشارات سمت.
- صفوی، امان‌الله، (۱۳۷۰)، **کلیات روش‌ها و فنون تدریس**، تهران، انتشارات معاصر.
- فضلی خانی، منوچهر، (۱۳۸۲)، **راهنمای عملی روش مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس**، تهران، انتشارات آزمون نوین.
- قاسمخان، سودابه و لیلی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، **یادگیری از طریق همیاری**، تهران، نشر نی.
- قائمی، مرتضی، (۱۳۸۶) «آموزش مهارت نوشتن در ایران موانع و راهکارها»، **مجموعه مقالات همایش مدیران گروه‌های عربی کشور**، دانشگاه بوعلی همدان، شماره ۱، ۸۰-۹۷.
- مهرمحمدی، محمود و عابدی، لطفعلی (۱۳۸۰) «ماهیت تدریس و ابعاد زیباشناختی آن»، **مجله مدرس**، ش ۵ (۳)، ۴۳-۵۷.
- میرزاحمدی، محمدحسن، (۱۳۸۳)، **کتاب ارشد. (روش‌ها و فنون تدریس، برنامه‌ریزی آموزش و درسی و تکنولوژی آموزش)**، تهران، انتشارات پوران پژوهش.

## منابع عربی

- إسماعیل، زکریا، (۱۹۹۱)، **طرق تدریس اللغة العربیة**، الإسكندریه، دار المعرفة الجامعیة.
- الحصری، ساطع، (۱۹۵۶)، **أصول تدریس اللغة العربیة**، بیروت، دار الکشاف.
- خرما، نایف وعلی حجاج، (۱۹۸۸)، «اللغات الأجنبيّة تعلیمها وتعلمه، الكويت، سلسلة عالم المعرفة»، **المجلس الوطني لوطني للثقافة والفنون والآداب**، العدد ۱۲۶.

السلیتی، فراس و فؤاد مقدادی، (۲۰۱۲)، «أثر برنامج تعليمی قائم علی المدخل الوظيفی فی تحسين المجلس مهارات القراءة الناقدۀ لدى طلاب الصف التاسع الأساسی فی الأردن»، **مجلة جامعة النجاح للأبحاث. (العلوم الإنسانية)**، المجلد ۲۶.

الفار ابراهيم، (۲۰۰۰)، **تربويات الحاسوب وتحديات مطلع القرن الحادي والعشرين**، القاهرة، دار الكتاب الجامعی.

قورة، علی عبد السمیع، وجیه المرسى ابو لبن، (۱۹۹۵)، **الاستراتيجيات الحديثة فی تعليم و تعلم اللغة، القاهرة**، مصر، مطبعة الشیما.

#### منابع اینترنتی

<http://farsiamooz.blogfa.com/post/16>  
<https://fa.wikipedia.org>  
<http://www.kanoon.ir/Article/153896>  
<http://farsiamooz.blogfa.com/category/4>

## **A look at the effectiveness of new Arabic language teaching strategies in Iran**

### **Abstract**

Undoubtedly, teaching Arabic in Iran, along with traditional methods, requires new strategies. Since Arabic language teaching in the country is mostly based on traditional methods and new educational approaches such as learners' reaction to learning, teacher mentality, type of learners' progress, students' pursuit of how to learn Arabic in universities have received less attention from researchers in this field. Reviewing and presenting new strategy topics is an integral part of this. Therefore, it is necessary to study special teaching methods for Arabic language teachers. In this research, using descriptive-analytical method, while examining the traditional methods of teaching Arabic, we have tried on issues such as raising the real problems of teaching Arabic, acquainting educators with such obstacles and also learning about new teaching methods to overcome the problems ahead. Note. Introducing new approaches to teaching Arabic language and using them in learning this language provides special facilities for better teaching Arabic language to teachers and learners and removes many obstacles and problems of language teaching in traditional and old language learning systems in Iran.

**Keywords:** Arabic education, new strategies, role-oriented approach, grammar-translation method.